دریچه

زندگی خصوصی بن‌لادن در ابیت‌آباد

■ یکی از همسران اسامه بن‌لادن به پلیس پاکستان گفته است رهبر سابق «گروه القاعده» در هشت سالی که در این کشور مخفی شده بود صاحب چهار فرزند شده بود. به گزارش خبرگزاری فرانسه آمال آخرین همسر بن‌لادن گفته است وی سه سال در شهر هاریبور پاکستان به همراه رهبر سابق گروه القاعده زندگی کرده است و در این مدت یک دختر به نام آسیا (۹ساله) و ابراهیم (هشت‌ساله) به دنیا آورده است. همسر بن‌لادن افزود پس از انتقال به ابیت‌آباد پاکستان نیز صاحب دو فرزند دیگر از بن‌لادن شده است. وی نام آنها را زینب (پنج‌ساله) و حسین (چهارساله) نامید. او با بیان اینکه هر چهار فرزند را در بیمارستان‌های پاکستان به دنیا آورده است، افزود در هر بار تنها دو ساعت پس از زایمان از بیمارستان خارج می‌شد.

پس از حمله نیروهای ویژه آمریکا که منجر به کشته شدن رهبر القاعده شد نیروهای امنیتی پاکستان سه همسر بن‌لادن را به همراه فرزندان آنها بازداشت کردند. بر اساس این گزارش آمال همسر یمنی بن‌لادن در ژوییه سال ۲۰۰۰ از مرز افغانستان به صورت غیرقانونی وارد پاکستان شد. او گفته است پس از ورود به پاکستان برای مدت هفت تا هشت ماه در کراچی نزد گروه‌های اسلام‌گرا مخفی شده بود. آمال پس از ازدواج با بن‌لادن در سال ۲۰۰۱ به همراه دو همسر دیگر رهبر القاعده که سعودی‌تبار هستند تا پیش از حمله نیروهای آمریکایی به پناهگاه رهبر القاعده و کشتن وی در یک جا زندگی می‌کرده است. آخرین همسر بن‌لادن افزود پس از حمله نیروهای خارجی به افغانستان وی در استان نیشابور پاکستان به همسر خود پیوسته بود و به مدت سه سال در هاریبور یکی از شهرهای پیشاور زندگی کرده بود. دادگستری پاکستان قرار است همسران بن‌لادن را به اتهام ورود غیرقانونی به این کشور محاکمه کند. آنها پیش از اخراج از پاکستان با توجه به این اتهام ممکن است برای مدتی به زندان محکوم شوند. یک وکیل مدافع خانواده اسامه بن‌لادن می‌گوید که دادگاهی در پاکستان قرار است موکلانش را به اتهام ورود و اقامت غیرقانونی به پاکستان تحت تعقیب قرار دهد. محمد امیر می‌گوید این اتهام متوجه سه بیوه اسامه بن‌لادن و دو دختر او است و محاکمه آنها قرار است روز دوم آوریل برگزار شود. دادگاه برای این پنج زن ابلاغیه‌های جداگانه‌ای به همراه تفهیم اتهام ارسال کرده است. آنها همگی از ماه می گذشته که اسامه بن‌لادن توسط کماندوهای آمریکایی در منطقه

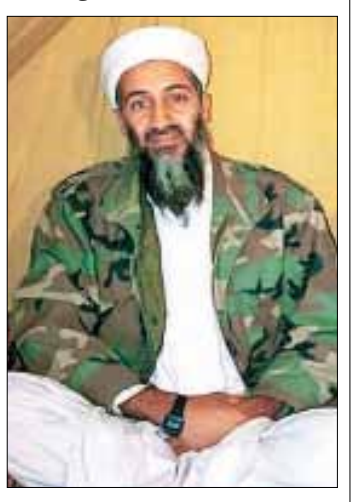

ابیت‌آباد ترور شد در بازداشت به سر برده‌اند. دولت پاکستان از همان زمان اعلام کرد که از حضور اسامه بن‌لادن و اعضای خانواده‌اش در این کشور بی‌اطلاع بوده است. هنوز مشخص نیست که بر سر سایر افراد دیگری که همراه بن‌لادن بوده‌اند چه آمده است و چرا برای آنها قرار بازداشت و تعقیب صادر نشده است.در گزارش جدیدی که توسط گروه تحقیق پلیس پاکستان و از طریق بازجویی از همسران بن‌لادن تهیه شده است، مسیر حرکت رهبر گروه القاعده از زمان پناه بردن به پاکستان پس از حمله نیروهای خارجی به افغانستان به تفصیل بیان شده است. گزارش جدید گروه تحقیق پلیس پاکستان به دولت این کشور سفارش کرده است که هر چه زودتر آمال همسر بن‌لادن به کشورش یمن فرستاده شود. اسامه بن‌لادن الگوی پدر را پیشه خود قرار داد و پنج همسر به نام‌های نجوا غانم (دختر دایی و اهل سوریه)، ام علی، سهام صابر؛ اهل عربستان (اُم خالد)، خیره صابر؛ اهل عربستان (ام حمزه) و اُمل احمد عبدالفتاح الساده؛ معروف به امل احمد و اهل یمن، اختیار کرد. از این پنج نفر نجوا غانم به سوریه رفت. امل علی هم از بن‌لادن جدا شد و سه زن دیگر همراه بن‌لادن در ابیت‌آباد دستگیر شدند. البته در برخی رسانه‌ها آمده است که بن‌لادن، علاوه بر داشتن پنج زن، با یک شاعر سودانی و یک هنرمند غربی نیز ارتباط داشته است. اسامه نخستین بار در ۱۸سالگی با دختر دایی نشان کرده‌اش، نجوا غانم که ۱۴سال بیشتر نداشت، ازدواج کرد. امال جوان‌ترین همسر بن‌لادن بود که در عمارت بن‌لادن در پاکستان با او زندگی می‌کرد. پاکستانی‌ها می‌گویند پاسپورت او پس از حمله در این خانه پیدا شده است. او ۲۹ ساله است و وقتی نوجوانی بیش نبود توسط خانواده‌ای یمنی به عنوان هدیه به بن‌لادن داده شد. بر پایه گفته‌های محافظانی که آمال را برای دیدار بن‌لادن همراهی کرده بودند، او یک زن بسیار جوان بود که خانواده قبیله‌ای‌اش او را برای ازدواج به بن‌لادن تحویل داده بودند.

پیامدهای بازی آمریکا در منطقه

وحید مژده

عکس: Getty Imags

در اوایل ماه ژانویه سال‌جاری، برلین شاهد نشست دو روزه‌ای به ابتکار «دانا روهرا باکر» از اعضای ارشد کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان ایالات‌متحده آمریکا در مورد افغانستان بود. در این نشست «لو گهمرت»، «استیو کینگ» و «لوریتا سانچز» از دیگر اعضای کنگره آمریکا نیز شرکت داشتند. شرکت‌کنندگان افغان این نشست در مورد تغییر نظام در افغانستان به‌عنوان یک ضرورت، نظرات خود را ابراز کردند که شامل ایجاد تغییراتی در قانون اساسی افغانستان بود. در این نشست روی مساله ایجاد نظام فدرالی در افغانستان بحث صورت گرفت. مساله‌ای که در افغانستان حساسیت‌برانگیز است و بسیاری بر این نظرند که این کار به معنی قدم اول به سوی تجزیه کشور خواهد بود.

در این نشست «احمد ضیا مسعود» رییس جبهه ملی، «عبدالرشید دوستم» رهبر جنبش ملی اسلامی، «محمد محقق» رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان و «امرالله صالح» رییس پیشین اداره امنیت ملی افغانستان شرکت داشتند. در بیانیه پایانی این نشست روی ضرورت ایجاد یک نظام غیرمتمرکز در افغانستان تاکید شد.

در چنین نشست‌هایی معمولا فقط مسایلی به بیرون درز می‌کند که کمتر حساسیت‌برانگیز باشد اما مسایل اصلی که دستور جلسات مذاکرات را تشکیل می‌دهد، در پرده باقی می‌ماند.

نشست برلین در افغانستان با عکس‌العمل‌های مخالف مواجه شد که می‌توانست ضربه‌ای به وجهه سیاسی شرکت‌کنندگان آن نشست باشد. اما آنها تاکید کردند که در این نشست، فقط در مورد یک نظام غیرمتمرکز در افغانستان بحث کردند که صلاحیت‌های بیشتری به ولایات داده شود و طرحی برای فدرالیسم در میان نبود.

تنها افغانستان در محور توجه این طرح آمریکا نیست. آمریکا از چند سال پیش به این سو، طرحی برای تجزیه چند کشور را در سر دارد که در این اواخر، طرح تجزیه پاکستان با صراحت بیشتری مطرح شده است.

به گزارش رسانه‌ها، کمیسیون امور خارجه کنگره آمریکا با تشکیل جلسه‌ای، ضمن بررسی اوضاع بلوچستان پاکستان، از جداشدن این ایالت از پاکستان حمایت کرد. جمعی از چهره‌های ملی‌گرای بلوچ از جمله «حربیارمری» و «براهمداغ بکتی» که در این جلسه حضور داشتند به آمریکایی‌ها اطمینان دادند که بلوچ‌ها متحدان طبیعی آمریکا هستند و می‌خواهند بندر «گوادر» را با آمریکایی‌ها به اشتراک بگذارند. او همچنین تاکید کرد که آنان اجازه عبور خط لوله گاز ایران را از زمین‌های خود نمی‌دهند و با طالبان نیز مبارزه می‌کنند.

مساله مهم و قابل توجه که نشست برلین در مورد افغانستان و جلسه کنگره آمریکا در مورد بلوچستان پاکستان را با هم پیوند می‌دهد، این است که این نشست نیز به ابتکار همان دانا روهرا باکر نماینده جمهوری‌خواه کنگره آمریکا که نشست در مورد افغانستان در برلین را مدیریت کرده بود، صورت گرفت.

او با ابراز نگرانی از قطع تدارکات ناتو و پیدا شدن «اسامه بن‌لادن» رهبر القاعده در پاکستان گفت: پاکستانی‌ها مردی را پناه دادند که باعث مرگ سه هزار آمریکایی شده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، او طرحی را پیشنهاد کرد که خودمختاری منطقه ناآرام ایالت بلوچستان پاکستان را خواستار شده است. دانا روهرا باکر گفت بلوچ‌ها که اکنون بین سه کشور پاکستان، ایران و افغانستان تقسیم شده‌اند باید اجازه داشته باشند تا وضعیت حقوقی‌شان را خودشان مشخص کنند. او پیش از تشکیل این جلسه با انتشار مقاله‌ای از استقلال بلوچستان حمایت کرد و گفت: ما برای تضعیف قدرت افراطی موجود در پاکستان باید از طرح جدا شدن بلوچستان از پاکستان حمایت کنیم.

پارلمان پاکستان در محکومیت این اقدام مجلس نمایندگان آمریکا گفت که ایالات‌متحده این صلاحیت را ندارد تا در مورد هر موضوعی که در پاکستان اتفاق می‌افتد، گفت‌وگو کند. در این قطعنامه پارلمان پاکستان گفته شده که «مداخله آمریکایی‌ها در امور داخلی پاکستان غیرقابل قبول است.»

وزارت‌خارجه پاکستان در بیانیه‌ای گفت: «به کاردار (آمریکا) اطلاع داده شد که چنین کاری غیرقابل قبول است و به مفهوم مداخله در امور داخلی پاکستان است.» «شری رحمان» سفیر پاکستان در آمریکا نیز این کار را مداخله در امور داخلی پاکستان دانست.

حمایت از تجزیه‌طلبی در بلوچستان پاکستان مطابق منافع درازمدت آمریکا در منطقه است زیرا آمریکا علنا اعلام کرده که قصد مهار قدرت چین را دارد و این سیاست با نزدیک‌تر شدن روابط میان هند و آمریکا جدی‌تر شده است. آمریکا می‌خواهد با نزدیک‌تر شدن با هند، همسایه چین شود و حتی با حمایت از هند برای عضویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد، تعادلی میان حق وتو میان هند و چین در شورای امنیت به‌وجود آورد و برای هند نقش بیشتری در سطح بین‌المللی قایل شود. هند و چین در گذشته روابط خصمانه را میان خود تجربه کرده‌اند و هنوز باهم اختلاف مرزی دارند. هرچند حجم بزرگ تبادل بازرگانی میان دو کشور منافع مشترکی را به میان آورده که احتمال یک جنگ دیگر را تقریبا ناممکن کرده است اما این دو کشور هنوز هم در مورد اهداف یکدیگر در منطقه مشکوک‌اند. طرح «مهار چین» یا محاصره این کشور، باید از طریق کار مشترک آمریکا با همسایه‌های این کشور شکل عملی به خود بگیرد. این درحالی است که پاکستان با سپردن بندر گوادر در ساحل دریای هند به کشور چین، مجال حضور در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان را فراهم کرده است. پاکستان حلقه آهنین محاصره چین را درهم شکسته و این خلاف طرحی است که آمریکا در مورد چین دارد. بندر گوادر در ساحل بلوچستان پاکستان و در نزدیکی خلیج‌فارس، جهت کمک اقتصادی چین ساخته شده است.

بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد اگر آمریکا درصدد تغییر وضع در پاکستان باشد. کشوری که به دلیل داشتن نیروی نظامی نیرومندی که در جریانات سیاسی این کشور نقش تعیین‌کننده دارد، گام در راه خلاف منافع آمریکا در منطقه بر می‌دارد. آمریکا نمی‌تواند از طریق کودتای نظامی، وضع در پاکستان را کنترل کند. پاکستان بخش بزرگی از تاریخ خود از سال ۱۹۴۷ را در سیطره حکومت‌های نظامی به‌سر برده و مشهور است که نظامیان این کشور حاکمان پشت پرده، حتی در دوران حکومت‌های منتخب و غیرنظامی بوده‌اند. فضای سیاسی این کشور هیچ‌گاه برکنار از سایه نظامیان نبوده است.

بنابراین راه‌حل این است که دست ارتش از تاثیرگذاری در سیاست پاکستان قطع شود اما این کار را چه کسانی باید انجام دهند؟ بدون تردید فقط مردم پاکستان‌اند که می‌توانند به نقش دیرپای ارتش در سیاست این کشور خاتمه دهند اما این راه با یک مانع بزرگ مواجه است؛ مردم پاکستان به سیاستمداران این کشور اعتماد ندارند و حتی سیاستمداران مذهبی این کشور نیز تجربه خوبی از یک حکومتداری خوب و فاقد فساد را در ذهن مردم باقی نگذاشته‌اند. اینجاست که اکثریت مردم پاکستان به نقش ارتش به عنوان یک نیروی بازدارنده در برابر فساد سیاستمداران و رهبران احزاب سیاسی این کشور می‌نگرند و برای ارتش این امکان فراهم می‌آید تا با استفاده از این احساس مردم، همچنان بر اریکه قدرت باقی بماند. حتی زمانی که نیروهای نظامی این کشور در مناطق قبایلی درگیر جنگ شدند و به وجهه ارتش صدمه شدید وارد شد، باز هم مردم علیه ارتش موضع نگرفتند. ارتش توانسته است تا نیروی اتمی این کشور را به یک مساله حساس ملی مبدل کند. ترس از حضور آمریکا در منطقه که می‌تواند به خلع سلاح اتمی پاکستان منجر شود، نزدیکی آمریکا به هندوستان که دشمنی دیرینه با پاکستان دارد و طرح‌های حمایت از تجزیه‌طلبی در منطقه، مردم را نگران و در نتیجه نقش انحصاری ارتش در سیاست پاکستان را تضمین کرده است. به همین دلیل، آمریکا تاکنون از مهار قدرت ارتش در ساختار سیاسی پاکستان ناتوان بوده است.

در استراتژی آمریکا در مورد منطقه، بلوچستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بلوچستان بزرگ‌ترین منطقه پاکستان از نظر مساحت است که بیش از ۴۰درصد از مجموع خاک این کشور را تشکیل می‌دهد اما از نظر تراکم جمعیت چهارمین ایالت این کشور است. این ایالت دارای منابع بزرگ طبیعی از جمله گاز طبیعی است اما بهره مردم خود ایالت از این منابع بسیار اندک است و مردم بلوچستان در مقایسه با سایر ایالات این کشور در وضع ناگوار اقتصادی به سر می‌برند. همین مساله موجب حرکت‌های مسلحانه ضد دولتی و حتی اقدامات تجزیه‌طلبانه در این ایالت شده است.

قیام‌های مردم بلوچ در پاکستان سابقه طولانی دارد. اردوی پاکستان در دهه ۷۰ میلادی قیام مردم بلوچ را به کمک شاه ایران سرکوب کرد. ایران خود دارای اقلیت بلوچ است و شاه نگران از آن بود که حرکتی در جهت آزادی‌طلبی در میان بلوچ‌های پاکستان، پیامدهای مشابه را در بلوچستان ایران به میان آورد و رویای یک بلوچستان بزرگ را در منطقه به کمک اتحاد شوروی به واقعیت مبدل کند. به همین دلیل بود که نیروی هوایی ایران در آن زمان، نیروهای پاکستان را در سرکوب بلوچ‌ها یاری می‌کرد. مساله‌ای که امروز هم می‌تواند به نزدیکی روابط میان اسلام‌آباد و تهران کمک کند.

بندر گوادر که به کمک مالی و تکنیکی چین ساخته شده تا پایان قرن بیستم یک بندر ماهیگیری بی‌اهمیت بود اما اکنون از نظر اقتصادی و نظامی مورد توجه است. این بندر می‌تواند به بیش از ۲۰ کشور از آسیای مرکزی گرفته تا آفریقای شرقی تسهیلات بندری دهد و به دلیل عمق مناسب، کشتی‌های بزرگ هم می‌توانند در آن پهلو بگیرند. بندر گوادر با وسعت ۷۲۵ کیلومتر در غرب کراچی واقع است که برای تقویت دفاعی پاکستان دارای اهمیت استراتژیکی است. این اهمیت زمانی برجسته شد که در جریان جنگ هند و پاکستان و بعد از آن در هنگام منازعه کارگیل، بندر کراچی در محاصره نیروی دریایی هند قرار گرفت. از آن به بعد، کار روی بندر گوادر به‌عنوان بخشی از برنامه استراتژیک پاکستان در تنوع بخشیدن به امکانات بندری هم از نظر اقتصادی و هم از نظر نظامی، مورد توجه زمامداران این کشور قرار گرفت.

با توجه به سرمایه‌گذاری چین در این بندر، شایعاتی هم وجود دارد که چین می‌خواهد از این بندر به‌عنوان یک پایگاه نظامی دریایی در اقیانوس هند جهت حفظ منافع روبه‌رشد خود در منطقه حساس خلیج‌فارس استفاده کند.

آمریکا هدف خود از مهار چین را پنهان نکرده است و بنابراین منطقه بلوچستان پاکستان، در استراتژی درازمدت آمریکا در جنوب آسیا از اهمیت ویژه برخوردار است. بلوچستان در مجاورت ایران می‌تواند در محاصره ایران نقش مهمی را ایفا کند.

اما طرح حمایت از تجزیه بلوچستان به وسیله آمریکا، گذشته از ایران، برای منافع آمریکا در افغانستان نیز بسیار مهم است. طرح بلوچستان بزرگ، ولایت نیمروز افغانستان را هم شامل می‌شود.

اکنون سوال این است که جایگاه افغانستان در این بازی در کجاست؟

یک امکان این است که اگر آمریکا با طالبان و حزب اسلامی به توافقی دست نیابد و آنها همچنان به خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان پافشاری کنند، آمریکا ناچار خواهد شد تا مناطقی از جنوب را به طالبان واگذار کند. آمریکا در جنگ افغانستان علیه طالبان و در جنگ علیه نیروهای قذافی در لیبی این تجربه را به دست آورده است که چگونه با حمایت هوایی از نیروهای بومی طرفدار خود در زمین، نیروهای مخالف خود را در موضع تدافعی قرار دهد. بعد از سال ۲۰۱۴ جنگ افغانستان مجددا به جنگ داخلی تغییر شکل خواهد داد و آمریکا در پایگاه‌های خود در داخل افغانستان خواهد خزید و برای نیروهای هوادار خود پوشش و حمایت هوایی فراهم خواهد کرد. شاید هم گاهگاهی نیروهای مخصوص آن کشور به حملات شبانه دست بزنند.

دو سال قبل، دولت آمریکا اعلام کرد تحقیقاتی که بعضی از نهادهای تحقیقاتی در مورد ذخایر معدنی افغانستان انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که این کشور به ارزش بیش از یک هزار میلیارد دلار ذخایر مختلف زیرزمینی دارد.

میزان ذخایر معدنی افغانستان مساله‌ای نیست که به تازگی کشف شده باشد. از ده‌ها سال قبل همه می‌دانند که افغانستان سرشار از ذخایر گرانبهای معدنی است اما حکومت‌های مختلف در افغانستان جزییات این مساله را مخفی نگه‌داشته بودند زیرا امکان داشت افراد یک قوم که ذخیره‌ای از یک ماده گرانبهای معدنی در منطقه مسکونی آنان قرار دارد، به این فکر بیفتند که وقتی چنین گنجی را در اختیار دارند، پس چرا باید آن را با دیگران قسمت کنند؟ در این صورت نتیجه گرفته می‌شود که کوچک‌تر بودن به معنی ثروتمندتر بودن است. این مساله می‌توانست به نوعی تلاش جهت خودمختاری محلی و بعدا تجزیه منجر شود.

حکومت‌های گذشته در افغانستان در کنار نامساعد بودن شرایط اقتصادی و تکنیکی یعنی نبود کادرهای فنی داخلی که می‌توانست بخش بزرگی از عواید حاصله را به جیب متخصصان، کمپانی‌ها و کشورهای خارجی بریزد، شرایط سیاسی در کشور را نیز در نظر داشتند، یعنی ترس از اینکه ذخایر معدنی افغانستان موجب شود تا کشورهای خارجی در رقابت بر سر تصاحب این منابع، افغانستان را بی‌ثبات سازند. درست همین نگرانی را رییس‌جمهور کرزای پس از اعلان اینکه در افغانستان منابع عظیم معدنی وجود دارد، ابراز کرد. پس می‌توان گفت که اعلام میزان ذخایر معدنی افغانستان در چنین موقعیت حساسی می‌تواند بخشی از همین توطئه به منظور تجزیه باشد.

کشورهای کوچک را می‌توان آسان‌تر کنترل کرد و تجربه ۹سال جنگ بی‌حاصل آمریکا در افغانستان نشان داد که این کشور را نمی‌توان به آسانی کنترل کرد اما وقتی بخشی از این کشور از پیکر اصلی آن تجزیه شود، جنگ داخلی این کشور را به پارچه‌های بیشتری تقسیم خواهد کرد که این تقسیمات بر پایه قومیت صورت خواهد گرفت.

مشکل بزرگ در راه تجزیه، مساله کوهستانی بودن افغانستان است. اگر بخواهیم مرز طبیعی موثر میان شمال و جنوب را به صورت احتمالی مشخص کنیم، این مرز را فقط دیوار سلسله جبال هندوکش می‌تواند به میان آورد. دیواری که اسکندر مقدونی را مدت‌ها در جنوب این سرزمین سرگردان کرد و مرزی که بعد از قرن‌ها، طالبان را تا مدت‌ها از دسترسی به شمال افغانستان بازداشت و هدف از انفجار تونل سالنگ به دستور احمدشاه مسعود، نیز ایجاد مانع برای رسیدن نیروهای طالبان به شمال بود.

اما کار تجزیه به سهولت صورت نخواهد گرفت. برای این کار لازم است تا ترکیب قومی در شمال تغییر کند. پشتون‌ها در شمال، در گذشته به نفع گسترش حاکمیت طالبان نقش داشتند. کسانی که خواهان تجزیه افغانستان‌اند، مدت‌ها قبل این حرکت را به صورت خزنده آغاز کرده‌اند.

آمریکا می‌خواهد مخالفانش در جنوب احساس آرامش نکنند و درگیر جنگ در جبهه‌های متعدد باشند. موقعیت ولایت نیمروز در کنار ولایت هلمند، جایی که پایگاه قدرتمند طالبان در طول سال‌های جنگ با آمریکا بوده است، به عنوان یک مزاحمت علیه طالبان می‌تواند مهم باشد. بلوچ‌های تجزیه‌طلب پاکستان هم به آمریکا وعده داده‌اند که با طالبان مبارزه خواهند کرد. نه تنها جنوب و شرق بلکه ولایات شمال کابل و نیز ولایت هرات در غرب، بار بزرگ این جنگ را به دوش خواهند کشید. جنگ قومی به مهاجرت‌های وسیع خواهد انجامید و مصایب بزرگ بشری را به میان خواهد آورد.

شاید روسیه از ترس نفوذ طالبان به سوی شمال، زیاد با این کار آمریکا مخالف نباشد و تدارک‌رسانی آمریکا را از مسیر این کشور اجازه دهد اما ایران، چین و پاکستان با این کار به شدت مقابله خواهند کرد. کاری که به روسیه در جنگ افغانی آمریکا موقعیت انحصاری خواهد بخشید و آمریکا را متکی به روسیه خواهد کرد.

بخش بزرگی از مواد اولیه مورد ضرورت مردم در شمال افغانستان از پاکستان و ایران تهیه می‌شود و حتی بعضی از این مواد تا به آسیای میانه نیز راه باز کرده است که در صورت تجزیه، این مسیر قطع خواهد شد. وقتی مبادلات بازرگانی جنوب با شمال قطع شود، آیا آمریکا توان آن را دارد تا بدیلی برای تدارک این نیاز بزرگ مردم در شمال افغانستان ایجاد کند و وابستگی شمال به جنوب را از میان ببرد؟

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و آزادی آسیای میانه، سخن از نقش افغانستان به عنوان پل ارتباط میان آسیای میانه و جنوب آسیا در میان است. نقشی که می‌تواند پیامدهای مثبتی برای افغانستان و منطقه داشته باشد. اگر طرح تجزیه افغانستان عملی شود و یک کشور محاط به خشکی به دو کشور تقسیم شود، این پل به دیوار مبدل خواهد شد.

اینها همه احتمالاتی است که در صورت تداوم حضور آمریکا در افغانستان، مردم این کشور و کشورهای منطقه با آن مواجه خواهند شد.

بنابراین حمایت آمریکا از تجزیه‌طلبی بر پایه‌های قومی در این بخش از جهان، که حفظ منافع استراتژیک آمریکا آن را ایجاب می‌کند، در عمل به سادگی‌ای که رورا باکر و همفکرانش در کنگره آمریکا مطرح می‌کنند، نیست بلکه تداعی‌کننده بازی با آتش است. اما اگر آمریکا بخواهد این بازی را در این منطقه به پیش ببرد، بازنده اصلی این بازی افغانی‌ها خواهند بود، درحالی که آمریکا هم به پیروزی دست نخواهد یافت. با چنین پیامدهای ناگوار، آیا ما شاهد پایان یک امپراتوری دیگر هستیم؟

کشورهای کوچک را می‌توان آسان‌تر کنترل کرد و تجربه ۹سال جنگ بی‌حاصل آمریکا در افغانستان نشان داد که این کشور را نمی‌توان به آسانی کنترل کرد اما وقتی بخشی از این کشور از پیکر اصلی آن تجزیه شود، جنگ داخلی این کشور را به پارچه‌های بیشتری تقسیم خواهد کرد که این تقسیمات بر پایه قومیت صورت خواهد گرفت

روزنه

بهار افغانستان و سردرگمی طالبان

ترجمه: حسین مشیری

■ با بررسی رفتار طالبان طی چند ماه گذشته، به‌نظر می‌رسد آنها تنها عقب نشسته و منتظر هستند تا آمریکایی‌ها اشتباه دیگری مرتکب شوند. طی سه ماه گذشته مجموعه اتفاقاتی به وقوع پیوسته و فرماندهان و مقامات آمریکایی را مجبور کرده تا مدیریت بحران دایمی را سرلوحه اقدامات و فعالیت‌های خود قرار دهند. با تمام این اوصاف، نیروهای شورشی و شبه‌نظامی نتوانسته‌اند از این عقب‌نشینی آمریکایی‌ها بیشترین استفاده را ببرند و دلیل آن تا حدودی مربوط به دودستگی است که به نظر می‌رسد در میان اعضای این گروه به وجود آمده است.

ماه گذشته میلادی، رهبران طالبان به صورت ناگهانی تماس‌های ابتدایی صلح با آمریکایی‌ها را به حالت تعلیق درآوردند. عده‌ای آن را از پیش تعیین‌شده و موقتی خواندند و عده‌ای دیگر می‌گفتند این اقدام نشان‌دهنده اختلاف داخلی آنها در مورد انجام مذاکرات است. در میان خود این گروه، عده‌ای اعتقاد دارند که به جای رفتن به سر میز چانه‌زنی و مذاکره، بهتر است تا پایان زمان حضور نظامیان آمریکایی در افغانستان صبر کنند. آنها به خوبی می‌دانند که این روزها فشارهای فزاینده‌ای بر آمریکایی‌ها مبنی بر خروج هرچه سریع‌تر از افغانستان وارد می‌شود؛ با آغاز سال ۲۰۱۲ به نظر می‌رسید که ماجرای متفاوتی در حال به وقوع پیوستن است و در همان روزهای ابتدایی سال نو طالبان اعلام کرد با گشایش دفتر ارتباطی در قطر موافقت کرده است. مقامات آمریکایی این اقدام را تمایل آشکار نیروهای شبه‌نظامی در کنار گذاشتن سلاح و پایان دادن به جنگی ۱۰ساله معرفی کردند. چند هفته بعد، نواری ویدیویی در فضای مجازی پخش شد که چند نفر از سربازان آمریکایی را در حال ادرار کردن بر جسد چند مبارز طالبان نشان می‌داد. در ماه فوریه نیز اشتباه نظامیان آمریکایی در سوزاندن نسخه‌هایی از قرآن، موجی از خشونت و درگیری را طی چند هفته در سراسر افغانستان به وجود آورد. مکمل این اتفاقات، حادثه ۱۱ مارس بود که ستوان رابرت بیلز ۱۷ نفر را در منطقه پنجوی استان قندهار شبانه و به ضرب گلوله کشت که ۹ نفر از آنها را کودکان تشکیل می‌دادند. ملا عبدالحکیم مجاهد که از اعضای سابق طالبان است و در حال حاضر از اعضای شورای‌عالی صلح افغانستان به حساب می‌آید، عقیده دارد که نیروهای طالبان از این حوادث به نفع خود بهره‌برداری می‌کند. با این حال، برخی دیگر هستند که می‌گویند این منافع برای شبه‌نظامیان چندان بلندمدت نیستند. با توجه به اینکه طالبان اغلب در بیانیه‌های خود اقدامات آمریکایی‌ها را بیرحمی و قساوت معرفی می‌کردند، به نظر می‌رسد آنها در مورد چگونگی انجام واکنش در برابر اقداماتی که خشم اکثر افغانی‌ها را برانگیخته است دچار نوعی سردرگمی شده‌اند. طالبان اقدام سربازان آمریکایی در آن نوار ویدیویی، قرآن‌سوزی و کشتار قندهار را تقبیح کردند اما هیچ کدام از این موارد را دلیل قطع مذاکرات ابتدایی معرفی نکردند. در مقابل، رهبران طالبان دلیل قطع این مذاکرات را شرایط غیرقابل قبولی معرفی کردند که توسط آمریکایی‌ها ایجاد شده است و تاکید اصلی آنها بر به تاخیر افتادن انتقال پنج نظامی ارشد طالبان از زندان گوانتانامو به قطر معطوف شده بود. به هر حال، طالبان در بیانیه‌های بعدی خود به دنبال یافتن راهی در برانگیختن احساسات ضد آمریکایی افغانی‌ها بود. طالبان در یکی از بیانیه‌های خود قرآن‌سوزی و حادثه قندهار را بخشی از اقدامات آمریکایی‌ها برای تحت تاثیر قرار دادن فضای مذاکرات اعلام کرد؛ عده‌ای گفتند طالبان با این اظهارات به دنبال امتیاز گرفتن از آمریکایی‌ها برای احیای روند مذاکرات است. از سوی دیگر، یک سلاح قدیمی طالبان این است که حامد کرزای، رییس‌جمهور افغانستان را عروسک خیمه‌شب‌بازی آمریکایی‌ها معرفی کنند. کرزای برای برطرف کردن این اتهامات، اخیرا مواضعی سخت علیه نیروهای آمریکایی اتخاذ کرده و از آنها خواسته است از مناطق روستایی همچون محل حادثه قندهار عقب‌نشینی کنند. وی همچنین در مورد شرایط توافقنامه حضور نیروهای آمریکایی پس از سال ۲۰۱۴، از موضع قدرت سخت گفت. یکی از نکات موجود در توافقنامه همکاری استراتژیک میان افغانستان و آمریکا، حملات شبانه و گسترده نیروهای آمریکایی است که کرزای بر متوقف شدن آنها نیز تاکید کرد. رهبران طالبان به دقت توان نیروهای آمریکایی حاضر در افغانستان را زیر نظر دارند؛ نیروهایی که سال گذشته تعدادشان صد هزار نفر بود و امسال به ۹۰ هزار رسیده و تا پاییز به ۶۸ هزار نفر کاهش می‌یابد. چند هفته پیش ژنرال جان آلن، فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان با برخی از اعضای کنگره دیدار داشت تا وقفه‌ای در کاهش این تعداد نیروها به وجود آورد. اگر اوباما این خواسته آلن را رد کند، ممکن است نیروهای طالبان جسارت بیشتری برای مقابله با نیروها پیدا کنند که تعدادشان نسبت به گذشته کمتر نیز شده است. در مرکز فعالیت‌های طالبان در جنوب افغانستان، شبه‌نظامیان به دنبال این هستند تا با گرم‌تر شدن هوا اقدامات تهاجمی خود را افزایش دهند. اما یکی از فرماندهان نظامی طالبان در قندهار اظهار داشت که نیازی نیست حملاتی گسترده علیه نیروهایی انجام شود که به تازگی از حالت استراحت خارج شده‌اند. وی گفت: «ما با همین بمب‌های کنار جاده‌ای می‌توانیم تعداد زیادی از نیروهای آمریکایی را به هنگام خروج از پایگاه‌هایشان مورد هدف قرار دهیم و این موضوع را به مردم یادآوری کنیم که نیروهای خارجی چه هزینه سنگین و گزافی در این کشور می‌پردازند. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید این موضوع حقیقت ندارد.»

منبع: لس‌آنجلس‌تایمز